# 950124-735

**‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 109**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به فرمایشات آقای زنجانی بود که پنج قسم کردند کسی را که مشغول مناسک حج بشود در شب‌های بیتوته در منی:

قسم اول این بود که از غروب آفتاب در مکه است تا اذان صبح مشغول مناسک حج است با مقدمات و مستحبات آن. ایشان فرمود که هر چند مکروه است که اینقدر مناسک حج را طول بدهد تا اذان صبح بشود ولی این کار کار جایزی هست.

فرض دوم این هست که قبل از این‌که صبح بشود تمام بکند اعمال را. در این قسم دوم هم قبل از غروب آفتاب آمده مکه و مشغول اعمال شده اما موقعی اعمال را تمام کرده که می‌تواند برای اذان صبح به منی برگردد. ایشان فرمودند که در اینجا ما لازم می‌دانیم برگشتن به منی را.

قسم سوم این است که بعد از غروب آفتاب، اوائل شب خارج بشود از منی و بیاید مکه اعمال حج را قبل از نیمه شب تمام کند. ایشان فرمودند که در این صورت واجب هست یا هنگام اذان صبح در منی باشد یا از مکه قدیم خارج شده باشد و در راه منی بخوابد.

[سؤال: ... جواب:] ایشان فتوی داده در این قسم سوم به این‌که باید حالا که قبل از نیمه شب اعمال را تمام کرد... قسم ثالث این است که قبل از غروب آفتاب از منی خارج شده و قبل از نیمه شب اعمال را تمام کند. ایشان فرموده در این قسم ثالث واجب هست یا هنگام اذان صبح در منی باشد و یا این‌که بیرون مکه قدیمه خوابیده باشد.

فرمایش ایشان در این قسم سوم به استناد صحیحه عیص هست: ان زار بالنهار او عشاءً فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی. ایشان معنا می‌کند صحیحه عیص را: ان زار بالنهار یعنی ان خرج لاجل الزیارة من منی. در صدر صحیحه هم دارد که الزیارة من منی. الزیارة من منی ظاهر در این است که از منی خارج شده به قصد زیارت. امام فرمود اگر روز یا اول شب خارج شده به قصد زیارت، هنگام اذان صبح باید در منی باشد.

اگر کسی گفت ان زار عشاءً ظهور ندارد در این‌که زمان خروجش از منی در عشاء و اول شب بوده. بلکه ظاهرش این است که زمان زیارتش اول شب بوده.

می گوییم بر فرض این را مطرح کنید صحیحه معاویة بن عمار قرینه می‌شود بر این‌که مراد از ان زار بالنهار او عشاء خروج من منی لغرض الزیارة است؛ چون صحیحه معاویة بن عمار دقیقا بحث خروج را مطرح می‌کند: ان خرجت اول اللیل فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی و ان خرجت بعد نصف اللیل فلایضرک ان تصبح فی غیرها. این قرینه می‌شود بر این‌که صحیحه عیص که مطرح کرده ان زار عشاء فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی و ان زار بعد نصف اللیل فلابأس علیه ان ینفجر الصبح و هو بمکة، او هم مقصودش از زار عشاء یا زار بعد نصف اللیل خروج از منی هست به غرض زیارت.

[سؤال: ... جواب:] در صحیحه معاویة بن عمار دارد که ان خرجت اول اللیل فلاینتصف الیل الا و انت بمنی و ان خرجت من نصف اللیل فلایضرک ان تصبح فی غیرها. ... خود صحیحه عیص هم عرض کردیم دارد که فی الزیارة من منی و بعید نیست که فی الزیارة من منی خروج از منی به قصد زیارت باشد. ... حدودا یک ساعت، یک ساعت و نیم طول می‌کشد تا مسجد الحرام. و ظاهر فی الزیارة من منی خروج از منی است به قصد زیارة البیت. ولی اگر کسی گفت نه؛ استظهار من این هست که زار عشاء یعنی وقت زیارت بیت اوائل شب بود و لو روز از منی خارج شده. می‌گوییم بر فرض این استظهار شما فی حد ذاته تمام بشود این صحیحه معاویة بن عمار قرینه است بر این‌که مراد از زیارت خروج به غرض زیارت است از منی.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره یک روایت صحیحه‌ای اجمال یک روایت صحیحه دیگر را و لو حکما برطرف می‌کند. قرینیت عرفیه هم که ممکن است بین دو تا روایت باشد و با قرینیت عرفیه ما از یک خطابی رفع اجمال بکنیم نسبت به خطاب دیگر بر اساس قرینیت عرفیه. مثل یک خطابی مجمل است که مستحب است یا واجب. می‌گوید: ینبغی لک ان تفعل کذا بعد یک خطاب دیگر می‌گوید لایجب. این لایجب قرینه است بر این‌که آن لاینبغی مراد از او استحباب است. این اشکالی ندارد. از اکرم که بالاتر نیست. اگر اکرم می‌گفت بعد می‌گفت لایجب الاکرام می‌گفتیم آن اکرم حمل می‌شود بر استحباب. حالا ینبغی ان تکرم که باشد و مجمل باشد که به طریق اولی می‌گوییم حمل می‌شود بر استحباب.

به نظر ما این فرمایش ایشان راجع به این قسم سوم ایراد دارد. این‌که ایشان فرمود کسی که اول شب از منی خارج بشود و قبل از نیمه شب اعمال حجش تمام بشود، موقع اذان صبح باید در منی باشد، این خلاف صحیحه معاویة بن عمار است که می‌گوید فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی. می‌گوید نیمه شب باید در منی باشی.

نفرمایید که روایات دیگر مثل همین صحیحه عیص گفت ان زار عشاء فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی. و این قرینه می‌شود بر این‌که آن امر به این‌که نیمه شب در منی باشی امر استحبابی است؛ چون صحیحه عیص می‌گوید اذان صبح در منی باشی.

برای این‌که ما جواب می‌دهیم از این مطلب. می‌گوییم صحیحه عیص می‌گوید اگر عشاءً خارج شدی از منی و زیارة البیت کردی اذان صبح در منی باش. اما صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید نیمه شب یا در منی باش یا مشغول مناسک حج باش یا از مکه بیرون باش. ان خرجت اول اللیل فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک او قد خرجت من مکة. نیمه شب مخیریم بین سه گزینه: یا در منی باشیم یا مشغول مناسک حج باشیم در مکه یا از مکه خارج شده باشیم؛ بیرون مکه در طریق منی باشیم. اما اذان صبح روایت فرموده که حتما باید در منی باشی. صحیحه عیص فرموده فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی. این‌ها مثبتین هستند؛ با هم تنافی ندارند. و به هر دو خطاب باید اخذ کنیم. نیمه شب ما سه گزینه داریم:‌ یا در منی باشیم اگر اول شب از منی خارج شده بودیم، نیمه شب یا به منی بر گشته باشیم یا مشغول مناسک حج باشیم در مکه یا از مکه خارج شده باشیم. ولی اذان صبح که بشود یک گزینه بیشتر در صحیحه عیص مطرح نشده و آن این است که فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی. خب ما ملتزم می‌شویم به هر دو خطاب. این‌ها مثبتین هستند؛ با هم تنافی ندارند.

[سؤال: ... جواب:] فعلا بحث ما در این قسم سوم هست که قبل از نیمه شب اعمال مکه تمام شده، آقای زنجانی فرمودند اذان صبح در منی باشی، عرض من این است که صحیحه معاویة‌ بن عمار می‌گوید که نیمه شب باید در منی باشی و آن روایت صحیحه عیص که می‌گوید اذان صبح در منی باشی با این تنافی ندارد؛ چون نیمه شب سه گزینه داشت: یا در منی باش یا مشغول مناسک حج در مکه باش یا از مکه خارج شده باشی. ولی اذان صبح یک گزینه داشت و آن این بود که باید در منی باشی. ... حالا اگر کسی طبق صحیحه معاویة‌ بن عمار عمل نکند هیچکدام از این سه گزینه را انتخاب نکند، نه در منی است نه مشغول مناسک حج است در مکه و نه از مکه خارج شده بلکه آمده هتل خوابیده... اثبات شیء که نفی ما عداه نمی‌کند؛ صحیحه عیص می‌گوید فلاینفجر الصبح الا و انت بمنی. اما نیمه شب کجا باش طبق صحیحه معاویة بن عمار سه گزینه داریم؛ یکی از این سه گزینه را انتخاب کن.

بلکه ما به نظرمان حتی آن‌هایی که نیمه شب مشغول مناسک حج هستند ساعت مثلا یک و نیم تمام می‌شود مناسک حج‌شان آن‌ها هم باید برگردند منی یا از مکه خارج بشوند. با این‌که نصف شب مشغول مناسک بود، ساعت یک و نیم مناسک حجش تمام شد،‌ اما از یک صحیحه معاویة‌ بن عمار استفاده می‌شود اذا فرغت من طوافک للحج و طواف النساء فلاتبیت الا بمنی الا ان یکون شغلک فی نسکک. نساء دارد. اذا فرغت من طوافک للحج و طواف النساء اطلاق دارد و لو ساعت دو نصف شب. فلاتبیت الا بمنی. برگرد منی. الا ان یکون شغلک فی نسکک. مگر این‌که واقعا باز مناسک حجت هنوز تمام نشده باشد و الا باید برگردی منی. و لو ساعت دو نصف شب. نصف شب مشغول مناسک حج بودی قبول، آن صحیحه اول معاویة بن عمار شامل تو نمی‌شود فلاینتصف اللیل الا و انت بمنی الا ان یکون شغلک نسکک. چون می‌گوید من نیمه شب مشغول نسک بودم. اما این صحیحه دوم معاویة بن عمار کاری به نیمه شب ندارد. می‌گوید بعد از فراغ از اعمال حج مستقیم برو منی.

[سؤال: ... جواب:] فلاتبیت الا بمنی، هیچ کجا شب نمان مگر در منی. و فرض این است که در روایت دیگر اطلاق کرد بیتوته را بر این‌که نیمه شب از منی خارج می‌شود می‌آید مکه گفت می‌توانی در مکه بیتوته کنی. این هم می‌گوید فلاتبیت الا بمنی الا ان یکون شغلک فی نسکک. هیچ کجا شب نمان مگر در منی. ... بهرحال دو تا روایت است با دو تا مضمون. ما وجهی ندارد که به این روایت اخیر اخذ نکنیم. در ذیلش اتفاقا همینجا آمده در همین صحیحه اخیر: و ان خرجت بعد نصف اللیل فلایضرک ان تبیت فی غیر منی. در همین ذیل آمده؛ ذیل همین صحیحه معاویة بن عمار که اخیر بود. گفت اذا فرغت من طوافک للحج و طواف النساء فلاتبیت الا بمنی الا ان یکون شغلک فی نسکک. و ان خرجت بعد نصف اللیل فلایضرک ان تبیت فی غیر منی.

و من هنا تبین حکم قسم رابع. قسم رابع این بود که بعد از رسیدن شب از منی خارج بشود و مشغول اعمال حج بشود قبل از نیمه شب ولی فراغش از اعمال حج بعد از نیمه شب باشد. از ساعت یازده مشغول اعمال حج شد تا ساعت دو که قسم رابع هست در تقسیم بندی آقای زنجانی. ایشان فرمودند احتیاط واجب این هست که اذان صبح در منی باشی.

[سؤال: ... جواب:] نخیر؛ باید هنگام اذان صبح در منی باشی.

بلکه باید بعد از فراغ از اعمال حج فورا از مکه خارج بشوی. فلاتبیت الا بمنی. اذا فرغت من طوافک للحج و طواف النساء فلاتبیت الا بمنی.

و لذا به نظر ما چه در قسم ثالث چه در قسم رابع نسبت به اصباح در منی صبح در منی باشد در هر دو باید فتوی داد نه این‌که در قسم ثالث فتوی بدهی به وجوب اصباح در منی ولی در قسم رابع احتیاط واجب کنید. بلکه ظاهر ادله این است که هر وقت اعمالت تمام شد اگر قبل از نصف شب تمام شد باید از مکه خارج بشوی موقع نصف شب در مکه نباشی. یا در منی بیتوته کنی او قد خرجت من مکة یا از مکه خارج شده باشی. و در قسم رابع هم و لو ساعت دو نصف شب اعمالت تمام می‌شود ولی فوا باید از مکه خارج بشوی چون اذا فرغت من طوافک للحج و طوافک للنساء فلاتبیت الا بمنی.

می ماند قسم پنجم. قسم پنجم این است که شب از منی خارج شده اما بعد از نیمه شب مشغول اعمال حج شده.

آقای زنجانی در این قسم پنجم فرمود: آقا! خیالت راحت. شما نیمه شب شد رفتی اعمال حج را بجا آوردی. اتفاقا خلوت هم بود زود تمام شد. لازم نیست برگردی منی. در همان مسجد الحرام جایی پیدا کن بخواب. برو کاروان، هتل بخواب. هرکجا خواستی، آزادی باشی. البته افضل این است که برگردی منی. جائز است در مکه بمانی علی کراهیة.

وجه این فرمایش ایشان که در این قسم خامس جائز هست کسی که ساعت هشت شب از منی خارج شده قبل از نصف شب حالا هشت، نه، ده، هر وقت، ولی اعمال حج را بعد از نیمه شب شروع کرده، وجه فرمایش ایشان که لازم نیست صبح را شما برگردی منی، وجهش چیست؟

دو تا وجه می‌شود برای کلام ایشان ذکر کرد:

یک وجه وجهی است که در لابلای بحث‌های ایشان به چشم می‌خورد. ایشان فرموده که ما یک صحیحه محمد بن مسلم داریم: قال فی الزیارة اذا خرجت من منی قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی. اگر قبل از غروب خورشید خارج شدی از منی برای زیارة البیت، باید هنگام اذان صبح در منی باشی. ایشان فرموده که این مفهوم دارد. مفهومش این است که اگر بعد از غروب خورشید از منی خارج بشوی لازم نیست که اذان صبح را در منی باشی. اذا خرجت من منی بعد غروب الشمس مفهوم این می‌شود: فیجوز لک ان تصبح بغیر منی. چون منطوق می‌گفت اذا خرجت من منی قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی مفهومش این می‌شود که اگر بعد از غروب خورشید از منی خارج بشوی یجوز لک ان تصبح بغیر منی.

خود ایشان در بحث فرمودند که این قرینه می‌شود ما صحیحه عیص را که می‌گفت ان زار عشاء فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی حمل بر استحباب بکنیم. صحیحه عیص می‌گفت ان زار بالنهار فلاینفجر الصبح الا بمنی که موافق است با صحیحه محمد بن مسلم. یعنی ان خرج بالنهار خرج قبل غروب الشمس فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی می‌شود مثل صحیحه محمد بن مسلم. اما ان زار عشاء که ایشان معنا کرد یعنی ان خرج من منی عشاء یعنی اول لیل به قصد زیارة البیت ایشان می‌فرمایند این لاینفجر الصبح الا و هو بمنی به قرینه مفهوم صحیحه محمد بن مسلم حمل بر استحباب می‌شود. مستحب است کسی که اول شب را از منی خارج می‌شود برای زیارة البیت اذان صبح را برگردد منی.

می گوییم اگر این منشأ بشود که در قسم پنجم بگویید واجب نیست بازگشت به منی هنگام اذان صبح، در قسم سوم و چهارم هم باید بگویید واجب نیست. چون دلیل شما بر وجوب رجوع در هنگام اذان صبح به منی در قسم سوم و چهارم که احتیاط واجب کردید اصباح به منی را در قسم چهارم و فتوی دادید به وجوب اصباح به منی در قسم سوم دلیل شما غیر از صحیحه عیص بود؟ صحیحه عیص بود. صحیحه عیص را هم که الان دارید حمل بر استحباب می‌کنید. پس چطور می‌شود شما در قسم ثالث و رابع حالا یا فتوی یا احتیاط وجوبیا گفتید یجب الرجوع الی منی حین طلوع الفجر اما در قسم پنجم می‌گویید لایجب الرجوع الی منی حین طلوع الفجر.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره وقتی صحیحه عیص را حمل بر استحباب کرد دیگر دلیل بر وجوب اصباح به منی در قسم ثالث و رابع از بین می‌رود. اما این اولویتی که شما مطرح می‌کنید درست نیست.

به نظر ما این فرمایش ایشان که ما بخاطر صحیحه محمد بن مسلم باید صحیحه عیص را نسبت به آن ان زار عشاء فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی حمل بر استحباب بکنیم به قرینه صحیحه محمد بن مسلم این درست نیست. صحیحه محمد بن مسلم راجع به این فرض صبحت کرده که ان خرجت من منی قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی.

اگر می‌خواهید بفرمایید که مفهومش مطلق است، مفهوم مطلق دارد که ان خرجت بعد غروب الشمس فلایجب ان تصبح بمنی، جواب این است که:

اولا: شما قائل به مفهوم مطلق نیستید در جمله شرطیه. مفهوم جمله شرطیه را فی الجملة می‌دانید. ان جائک زید فاکرمه مفهوم بالجملة [فی الجملة] دارد: ان لم یجئک زید فلایجب اکرامه مطلقا، نیست. شاید تفصیل دارد. صوری دارد که نیاز به تفصیل دارد. مفهوم مطلق ندارد جمله شرطیه به نظر ایشان که ما هم این مطلب را در اصول منقح کردیم.

ثانیا: مفهومش مطلق هم باشد، صحیحه عیص اخص است از مفهوم صحیحه محمد بن مسلم. مفهوم صحیحه محمد بن مسلم گیرم مطلق، ان خرجت بعد غروب الشمس فلایجب ان تصبح بمنی مطلقا، خب صحیحه عیص تفصیل می‌دهد. می‌گوید ان زار عشاء فلاینفجر الصبح الا و هو بمنی و ان زار بعد نصف اللیل فلابأس ان ینفجر علیه الصبح و هو بمکة. صحیحه عیص اخص مطلق است از مفهوم صحیحه محمد بن مسلم.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه محمد بن مسلم گیرم مفهومش شرط مطلق داشته باشد، بگوید ان خرجت بعد غروب الشمس فلایجب ان تصبح بمنی، اگر بخاطر زیارة البیت بعد از غروب آفتاب از منی خارج بشوی لازم نیست اذان صبح را برگردی منی،‌ بر فرض این مفهوم مطلق باشد، صحیحه عیص اخص از این مفهوم است. صحیحه عیص تفصیل داده؛ گفته اگر اول شب از منی خارج بشوی برای زیارت فلاینفجر الصبح الا و انت بمنی. اگر بعد از نصف شب خارج بشوی برای زیارت فلابأس ان ینفجر علیه الصبح و هو بمکة.

پس اگر شما به مفهوم این جمله شرطیه در صحیحه محمد بن مسلم استدلال می‌کنید جواب‌تان این است که اولا شما قائل به مفهوم مطلق نیستید و هو الصحیح. ثانیا مفهوم مطلق باشد قابل تخصیص است با منطوق صحیحه عیص.

و اگر بخواهید بفرمایید که اگر ما بخواهیم تقیید بزنیم صحیحه محمد بن مسلم را و بگوییم خروج از نیمه شب هم در حکم خروج قبل از غروب است،‌ همان‌طور که خروج از غروب آفتاب از منی سبب وجوب رجوع به منی می‌شود در هنگام اذان صبح اگر بگوییم خروج قبل از نیمه شب هم همین حکم را دارد، الغاء عنوان غروب الشمس لازم می‌آید. عرف می‌گوید پس اگر معیار خروج قبل از نیمه شب و بعد از نیمه شب باشد پس چرا شما در صحیحه محمد بن مسلم بحث خرجت قبل غروب الشمس را مطرح کردید؟ می‌گفتید خرجت بعد نصف اللیل. اگر مقصود آقای زنجانی استدلال به این باشد که الحاق خروج قبل از نیمه شب به خروج قبل از غروب آفتاب در وجوب اصباح به منی موجب لغویت عنوان اذا خرجت قبل غروب الشمس من منی می‌شود که در صحیحه محمد بن مسلم ذکر شده.

اگر این را بفرمایند جواب می‌دهیم که هیچ الغاء عنوانی لازم نمی‌آید. چرا؟ برای این‌که افرادی که بعد از غروب آفتاب می‌روند مکه برای زیارت، عده‌ای از آن‌ها موقعی اعمال مکه را انجام می‌دهند که اذان صبح را نمی‌توانند برگردند منی. ان زار عشاء آن وقتی که شب شد نه گفت اول شب رفت، در نیمه اول شب حرکت کرد رفت به سمت مکه، حدود یک ساعت و اندی طول می‌کشد تا برسد به مسجد الحرام، تا بخواهد مقدمات اعمال را انجام بدهد یک استراحتی بکند، اعمال را انجام می‌دهد معلوم نیست که این یک وقتی برسد و اعمال را شروع بکند که بتواند بدون حرج موقع اذان صبح در منی باشد. بر خلاف آنی که در روز از منی خارج می‌شود. آنی که در روز از منی خارج می‌شود خیلی موقع‌ها می‌تواند اعمالش را جوری انجام بدهد که اذان صبح در منی باشد. ما فرض‌هایی می‌توانیم بکنیم که پنج دقیقه قبل از غروب آفتاب خارج بشود از منی یکی دیگر پنج دقیقه بعد از غروب آ‌فتاب، بگوییم این‌ها با هم چه فرقی می‌کنند؟ اما فرض که منحصر به این‌ها نیست. آن‌هایی که قبل از غروب آ‌فتاب خارج می‌شدند خیلی‌های شان چند ساعت مانده به غروب آفتاب خارج می‌شدند که نماز مغرب‌شان را در مکه بخوانند. و آن‌هایی که بعد از دخول لیل بعد از غروب آفتاب از منی خارج می‌شدند ممکن بود چند ساعتی بگذرد بعد خارج بشوند از منی.

[سؤال: ... جواب:] زار عشاء. ساعت نه و ده شب عشاء است. تا از منی خارج بشود در تاریکی شب برود مکه، مقدمات را انجام بدهد اعمال را انجام بدهد چه بسا نمی‌توانسته اذان صبح برگردد منی. همین مقدار فارق عرفی است که امام بفرمایند اگر قبل از غروب آفتاب از منی خارج شده بودی باید اذان صبح در منی باشی. اما راجع به کسانی که بعد از غروب آفتاب خارج می‌شوند تفصیل هست. قبل از نیمه شب خارج بشوند اگر حرجی نیست برگردند منی اذان صبح. اگر بعد از نیمه شب خارج می‌شوند آزادند. هرکجا می‌خواهند اذان صبح را باشند اشکال ندارد. این کجا لغویت عنوان لازم می‌آید؟ ... ملاک نیمه شب هست اما تکیه روی خرجت قبل غروب الشمس عرفی است. لازم نیست تاثیر شرعی داشته باشی؛ تاثیر عرفی شاید داشته در این‌که افرادی که قبل از غروب آ‌فتاب از منی خارج می‌شدند‌طوری اعمال‌شان تنظیم می‌شد این‌ها عادة برای‌شان میسور بود برگردند منی قبل از اذان صبح. اما کسانی که بعد از دخول شب خارج می‌شدند ندارد که همان ساعت اول شب. ممکن است یکی دو ساعت بعد خارج بشوند. راجع به این‌ها امام تفصیلی بود نخواست بیان کند. الغاء عنوان لازم نمی‌آید.

 وان شئت قلت: بینکم و بین وجدانکم اگر امام می‌فرمود ان خرجت قبل غروب الشمس فلاتصبح الا بمنی، و کذلک ان خرجت قبل نصف اللیل الا ان یکون شغلک نسکک، این قید هم هست، شغلک نسکک برای کسی که خرج قبل غروب الشمس متعارف نیست، ولی برای کسی که قبل از نیمه شب خارج می‌شود متعارف است بگویند و کذلک اذا خرجت قبل نصف اللیل، کسی که نصف شب از منی خارج شده او هم باید هنگام اذان صبح در منی باشد مگر مشغول مناسک حج بشود و مانع بشود از آمدنش به منی. این کاملا عرفی است. هیچکس الغاء عنوانی از آن نمی‌فهمد.

و اگر این جواب ما را قبول نکنید اشکال ما به شما که در قسم ثالث و رابع پس چرا فتوی دادید یا احتیاط واجب کردید وجوب اصباح به منی را؟ اگر بنا است الغاء عنوان لازم بیاید از این‌که ما دست برداریم از مفهوم صحیحه محمد بن مسلم و حتما باید صحیحه عیص را حمل را بر استحباب کنیم پس در قسم ثالث و رابع چرا فتوی به وجوب اصباح به منی یا احتیاط واجب در وجوب اصباح به منی کردید؟

یک نکته هم مانده عرض کنیم بحث تمام می‌شود.

اگر وجه دومی کسی بخواهد ذکر کند برای فرمایش ‌‌آقای زنجانی در قسم خامس، بگوید ان زار بعد نصف اللیل فلابأس ان ینفجر الصبح و هو بمکة، صحیحه عیص می‌گفت، آقای زنجانی این را معنا کردند که یعنی ان خرج من منی بعد نصف اللیل. یکی بگوید من این توجیه آقای زنجانی را قبول ندارم، من می‌گوید صحیحه عیص ظاهرش همین است؛ ظاهرش ان زار بعد نصف اللیل فلابأس ان ینفجر علیه الصبح و هو بمکة است که دقیقا با همین قسم خامس مطابقت دارد. در این قسم خامس زار بعد نصف اللیل.

اگر این را بگوید این دفاع از آقای زنجانی نیست و دفاع درستی هم نیست و مطلب درستی هم نیست برای این‌که عرض کردیم الزیارة بمنی یا ظهور دارد در خروج من منی لغرض الزیارة پس خروجش از منی بعد نصف اللیل بود. و یا اگر هم مجمل باشد یا حتی ظهور داشته باشد در این مطلب که زیارت بعد نصف شب بود صحیحه معاویة بن عمار معیار را خروج قرار داد.

 و لذا این وجه هم درست نیست.

بحث واقع می‌شود در مسئله بعدی. فردا ان شاء الله.